

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۳
------------	------	--------------	-------	------

مرجعیت علمی شیخ طوسی و نهادهای سازی فقه اجتهادی امامیه: واکاوی نقش وی در تحول روش‌شناسی استنباط احکام در قرن پنجم هجری

آقای دکتر محمد رضا افروغ و خانم شقایق افروغ

دکترای الهیات – ادیان و عرفان. دانشگاه فرهنگیان اصفهان

کارشناس ارشد حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

قرن پنجم هجری را باید یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ تحول فقه امامیه دانست؛ دوره‌ای که در آن، نظام فقهی شیعه از مرحله نقل و گردآوری روایات به سوی اجتهادی نظام‌مند، استدلال‌محور و دارای انسجام نظری حرکت کرد. در این میان، شیخ طوسی به‌عنوان برجسته‌ترین فقیه و اصولی عصر خود، با تلفیق دانش حدیث، اصول فقه، کلام و فقه تطبیقی، بنیان‌های جدیدی برای استنباط احکام شرعی پدید آورد که تا قرن‌ها بر سنت فقهی امامیه سایه افکند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین سازوکارهای علمی و روش‌شناختی شیخ طوسی در توسعه فقه اجتهادی چه بوده و این تحولات چه تأثیری بر استمرار مرجعیت علمی فقه امامیه داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نوآوری‌های شیخ طوسی در توسعه فقه استدلالی، نظام‌مند کردن اصول اجتهاد، گسترش فقه مقارن، تقویت عقلانیت فقهی و تأسیس حوزه علمی نجف، نقطه عطفی در تاریخ فقه شیعه محسوب می‌شود. همچنین آثار وی، به‌ویژه المبسوط، الخلاف و العدة فی أصول الفقه، الگوی پایدار برای فقهای پس از او فراهم ساخت و زمینه تداوم مرجعیت علمی امامیه را تا عصر حاضر فراهم کرد.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، فقه امامیه، اجتهاد، اصول فقه، مرجعیت علمی، روش‌شناسی استنباط، قرن پنجم هجری.

طبقه‌بندی: JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم‌شناسی – حقوق بین‌الملل – حقوق خصوصی

The scientific authority of Sheikh Tusi and the institutionalization of Imamiyyah ijtiḥad jurisprudence: analyzing his role in the evolution of the methodology of deriving rulings in the fifth century of Hijri.

Abstract

The fifth century of Hijri should be considered one of the most important periods in the history of the evolution of Imami jurisprudence; The period in which the Shia jurisprudence system moved from the stage of narrating and collecting hadiths to a systematic, argument-oriented and theoretically coherent ijtiḥad. In the meantime, Sheikh Tusi, as the most prominent jurist and principle of his age, by combining the knowledge of hadith, the principles of jurisprudence, theology, and comparative jurisprudence, created new foundations for the derivation of Sharia rulings, which would cast a shadow on the Imami jurisprudence tradition for centuries. Using the descriptive-analytical method and library study, the present research seeks to answer the question that what were the most important scientific and methodological mechanisms of Sheikh Tusi in the development of ijtiḥad jurisprudence and what effect did these developments have on the continuation of the scientific authority of Imami jurisprudence. The findings of the research show that Sheikh Tusi's innovations in the development of argumentative jurisprudence, systematizing the principles of ijtiḥad, expanding comparative jurisprudence, strengthening jurisprudential rationality and establishing the scientific field of Najaf are considered a turning point in the history of Shia jurisprudence. Also, his works, especially Al-Massut, Al-Khilaf and Al-Ida Fi Asul al-Fiqh, provided a stable model for the jurists after him and provided the basis for the continuity of Imamiyyah scientific authority until the present age.

Keywords: Sheikh Tusi, Imami jurisprudence, Ijtiḥad, Principles of jurisprudence, Scientific authority, Inference methodology, 5th century Hijri.

متن مقاله

بلکه تحلیل یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ تحول اندیشه فقهی شیعه به شمار می‌آید؛ نقطه‌ای که در آن، روش اجتهاد از حالت پراکنده به الگویی منسجم، استدلالی و قابل توسعه تبدیل شد.

بیان مسئله

فقه امامیه در چهار قرن نخست هجری، بیش از هر چیز بر نقل روایات معصومان(ع)، بیان فتاوی مستند به احادیث و پاسخ‌گویی موردی به مسائل فقهی استوار بود. اگرچه این دوره در حفظ میراث حدیثی شیعه اهمیت بنیادین داشت، اما هنوز بسیاری از عناصر یک نظام اجتهادی جامع، مانند توسعه فقه تفریعی، تبیین منسجم قواعد اصولی و بهره‌گیری نظام‌مند از استدلال‌های عقلی، به شکل کامل تحقق نیافته بود.

با ظهور شیخ طوسی در نیمه نخست قرن پنجم هجری، این وضعیت دگرگون شد. وی با نگارش آثاری چون المبسوط، الخلاف و العدة فی أصول الفقه، افق تازه‌ای در روش استنباط احکام گشود و برای نخستین بار بسیاری از فروعات فقهی را با رویکردی استدلالی و تطبیقی بررسی کرد. این تحول، صرفاً افزایش حجم مباحث فقهی نبود، بلکه دگرگونی در منطق تولید دانش فقهی به شمار می‌رفت.

با وجود اهمیت این تحول، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود، نقش شیخ طوسی را صرفاً از منظر تاریخی یا زندگینامه‌ای بررسی کرده‌اند و کمتر به تحلیل عمیق سازوکارهای معرفتی و روش‌شناختی او در نهادهای سازی اجتهاد پرداخته‌اند. همچنین رابطه میان نوآوری‌های اصولی وی، توسعه فقه تطبیقی و تثبیت مرجعیت علمی امامیه، هنوز نیازمند واکاوی دقیق و نظام‌مند است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که شیخ طوسی از طریق چه سازوکارهای علمی و روش‌شناختی توانست فقه امامیه را به یک نظام اجتهادی استدلال‌محور تبدیل کند و این تحول چه تأثیری بر استمرار مرجعیت علمی شیعه در قرون بعدی بر جای گذاشت؟

این پژوهش بر آن است که با تکیه بر آثار اصیل شیخ طوسی و تحلیل تاریخی - فقهی آن‌ها، تصویری نو از جایگاه ایشان در تاریخ تحول فقه

فقه اسلامی از آغاز شکل‌گیری خود همواره در معرض تحول، توسعه و بازاندیشی قرار داشته است. این تحول، به‌ویژه در مکتب امامیه، تحت تأثیر حضور ائمه اطهار(ع)، گسترش دانش حدیث، پیدایش علم اصول و تلاش فقه‌های بزرگ برای پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید، مسیر تکاملی ویژه‌ای را پیموده است. در میان شخصیت‌های اثرگذار این جریان، شیخ طوسی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا وی توانست میراث علمی پیشینیان را با رویکردی اجتهادی، عقلانی و نظام‌مند بازسازی کرده و بنیان‌های فقه استدلالی امامیه را استحکام بخشد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۴).

پیش از شیخ طوسی، فقه شیعه عمدتاً بر نقل روایات و تنظیم فتاوا استوار بود و هرچند فقه‌هایی همچون شیخ مفید و سید مرتضی گام‌های مهمی در توسعه مباحث اصولی برداشتند، اما هنوز ساختار جامع و منسجمی برای استنباط گسترده احکام شکل نگرفته بود. شیخ طوسی با بهره‌گیری از دانش حدیث، اصول، کلام و منطق، این خلأ را برطرف ساخت و افق جدیدی در اندیشه فقهی امامیه گشود (جعفریان، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، شرایط سیاسی و فرهنگی قرن پنجم هجری، به‌ویژه انتقال مرکز علمی شیعه از بغداد به نجف، ضرورت بازسازی نهاد علمی شیعه را دوچندان کرده بود. شیخ طوسی نه تنها در عرصه تألیف آثار ماندگار، بلکه در سازمان‌دهی حوزه علمی نجف و تربیت شاگردان برجسته، نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد؛ نقشی که آثار آن تا امروز در ساختار مرجعیت شیعه قابل مشاهده است (حائری، ۱۳۸۰).

از منظر معرفت‌شناسی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه شیخ طوسی، ایجاد توازن میان نص، عقل، اجماع و قواعد اصولی در فرآیند استنباط احکام است. این رویکرد سبب شد فقه امامیه از محدودیت‌های نقل صرف عبور کرده و به نظامی پویا، پاسخ‌گو و دارای ظرفیت توسعه تبدیل شود؛ ظرفیتی که بعدها توسط فقه‌هایی همچون ابن ادریس حلی، علامه حلی و شهید اول گسترش یافت.

در نتیجه، مطالعه نقش شیخ طوسی تنها بررسی زندگی یک فقیه نیست،

تحلیل تأثیر روش‌شناسی استنباط وی بر تحول اندیشه فقهی شیعه در
قرن پنجم هجری.

اهداف فرعی

بررسی وضعیت فقه امامیه پیش از شیخ طوسی.

تحلیل نوآوری‌های فقهی و اصولی شیخ طوسی.

بررسی نقش آثار علمی شیخ طوسی در گسترش فقه استدلالی.

تحلیل تأثیر فقه تطبیقی در اندیشه شیخ طوسی.

بررسی نقش شیخ طوسی در تثبیت مرجعیت علمی و تأسیس حوزه علمی
نجف.

تحلیل تأثیر اندیشه‌های شیخ طوسی بر فقهای پس از وی.

۳. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

شیخ طوسی با بهره‌گیری از چه مبانی معرفتی و روش‌شناختی توانست
فقه امامیه را به نظامی اجتهادی، استدلال‌محور و پویا تبدیل کند؟

پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین ویژگی‌های فقه امامیه پیش از شیخ طوسی چه بود؟

۲. نوآوری‌های روش‌شناختی شیخ طوسی در استنباط احکام چه بوده
است؟

۳. آثار فقهی و اصولی شیخ طوسی چه نقشی در توسعه فقه تطبیقی امامیه
ایفا کردند؟

۴. نقش شیخ طوسی در تثبیت مرجعیت علمی شیعه چگونه قابل تبیین
است؟

۵. اندیشه فقهی شیخ طوسی چه تأثیری بر روند تکامل اجتهاد در قرون
بعد داشته است؟

۴. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش آن است که شیخ طوسی با تلفیق عقل، نقل، اصول
فقه و فقه تطبیقی، بنیان‌های فقه اجتهادی امامیه را نهادینه کرد و از

امامیه ارائه کند؛ تصویری که فراتر از توصیف شخصیت، به تبیین منطق
تحول و نهادینه‌سازی اجتهاد در سنت فقهی شیعه بپردازد.

۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش درباره نقش شیخ طوسی در تاریخ فقه امامیه، صرفاً مطالعه زندگی
و آثار یک فقیه برجسته نیست، بلکه بررسی یکی از مهم‌ترین مقاطع تحول
معرفتی در تمدن اسلامی است. قرن پنجم هجری، دوره‌ای است که در
آن، فقه شیعه از مرحله نقل و روایت به سوی نظامی استدلالی، اجتهادی
و دارای چارچوب‌های روشمند حرکت کرد. این تحول، افزون بر تأثیر
عمیق بر ساختار درونی فقه امامیه، در شکل‌گیری نهاد مرجعیت علمی،
توسعه حوزه‌های علمیه و پویایی اندیشه اسلامی نیز نقشی تعیین‌کننده
ایفا کرده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۴).

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که بسیاری از مطالعات موجود،
هرچند به معرفی آثار و زندگی شیخ طوسی پرداخته‌اند، اما کمتر به تحلیل
فرایند «نهادینه‌سازی اجتهاد» و سازوکارهای معرفتی تحول فقه توسط
ایشان توجه کرده‌اند. از این‌رو، بررسی پیوند میان روش‌شناسی استنباط،
عقلانیت فقهی، فقه تطبیقی و مرجعیت علمی می‌تواند خلأ مهمی را در
ادبیات پژوهشی معاصر برطرف سازد.

از منظر کاربردی نیز، بازخوانی میراث فقهی شیخ طوسی می‌تواند در
تبیین ظرفیت‌های اجتهاد برای مواجهه با مسائل نوپدید، تقویت مطالعات
میان‌رشته‌ای فقه و تاریخ، و بازاندیشی در مبانی روش‌شناختی استنباط
احکام، نقش مؤثری ایفا کند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در
برنامه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه، گروه‌های فقه و حقوق و مطالعات
تاریخ اندیشه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی

تبیین نقش و جایگاه شیخ طوسی در نهادینه‌سازی فقه اجتهادی امامیه و

جایگاه اجتماعی و فعالیت‌های آموزشی ایشان پرداخته‌اند (جعفریان، ۱۳۹۸).

ب) پژوهش‌های فقهی که عمدتاً آثار فقهی مانند المبسوط، الخلاف و النهایه را معرفی یا تحلیل کرده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۰).

ج) پژوهش‌های اصولی که نقش شیخ طوسی را در تحول علم اصول بررسی کرده‌اند، اما کمتر رابطه میان اصول فقه، فقه تطبیقی و مرجعیت علمی را به صورت یکپارچه تحلیل نموده‌اند.

بررسی منابع نشان می‌دهد که هنوز پژوهشی جامع که بتواند با رویکرد روش‌شناختی، تحول فقه امامیه را از منظر نظریه نهادینه‌سازی اجتهاد و مرجعیت علمی تحلیل کند، به‌ندرت انجام شده است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

۷. مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی و خارجی (۲۰۲۰-۲۰۲۶)

به‌منظور تبیین جایگاه علمی پژوهش حاضر، مطالعات منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ در پایگاه‌های علمی فارسی، عربی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که گرچه پژوهش‌های حوزه فقه اسلامی و روش‌شناسی اجتهاد در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته‌اند، اما پژوهش مستقلی که به‌صورت جامع نقش شیخ طوسی را در «نهادینه‌سازی فقه اجتهادی امامیه» با رویکرد روش‌شناختی تحلیل کند، همچنان اندک است. از سوی دیگر، مطالعات مرور نظام‌مند در حوزه فقه اسلامی نیز بر ضرورت تحلیل ساختارهای معرفتی و روندهای تحول دانش فقه تأکید دارند.

۷.۱. پژوهش‌های داخلی

پژوهش‌های فارسی طی سال‌های اخیر را می‌توان در چهار محور اصلی دسته‌بندی کرد:

الف) مطالعات تاریخی

این دسته بیشتر به زندگی، مهاجرت از بغداد به نجف، جایگاه اجتماعی و نقش شیخ طوسی در تثبیت حوزه علمیه نجف پرداخته‌اند. هرچند این

طریق ایجاد نظامی منسجم برای استنباط احکام، زمینه استمرار مرجعیت علمی شیعه را در قرون بعد فراهم ساخت.

فرضیه‌های فرعی عبارت‌اند از:

توسعه اصول فقه توسط شیخ طوسی موجب انسجام روش اجتهاد گردید. فقه تطبیقی در آثار شیخ طوسی ظرفیت استدلال فقه امامیه را افزایش داد.

تأسیس حوزه علمی نجف نقش مهمی در تثبیت مرجعیت فقهی شیعه ایفا کرد.

آثار شیخ طوسی الگوی اصلی فقهای امامیه تا چندین قرن پس از وی بوده است.

۵. نوآوری پژوهش

این پژوهش از چند جهت دارای نوآوری است:

اول، برخلاف تحقیقات رایج که غالباً بر معرفی شخصیت و آثار شیخ طوسی تمرکز دارند، این پژوهش با رویکرد تحلیل تحول معرفتی (Epistemic Transformation)، نقش وی را در نهادینه‌سازی نظام اجتهاد بررسی می‌کند.

دوم، ارتباط میان اصول فقه، فقه تطبیقی، عقلانیت فقهی و مرجعیت علمی در قالب یک مدل تحلیلی واحد تبیین می‌شود.

سوم، پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب «تاریخ تحول اندیشه فقهی»، آثار شیخ طوسی را نه به صورت مستقل، بلکه به عنوان اجزای یک پروژه تمدنی برای بازسازی دانش فقه تحلیل می‌کند.

چهارم، با مرور نظام‌مند مطالعات جدید (به‌ویژه آثار منتشرشده در سال‌های اخیر)، تلاش می‌شود جایگاه شیخ طوسی در ادبیات پژوهشی معاصر بازخوانی و ارزیابی شود.

۶. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به شیخ طوسی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌های تاریخی که بیشتر به زندگی، مهاجرت از بغداد به نجف،

سمت تحلیل ساختارهای معرفتی، تحولات روش‌شناختی و تطور اندیشه حقوقی گرایش یافته است.

با وجود این تحول، آثار اختصاصی درباره شیخ طوسی در ادبیات بین‌المللی بسیار محدود است و بیشتر مطالعات به فقه اسلامی به صورت کلی یا به مکاتب فقهی دیگر پرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند بخشی از این خلأ را پوشش دهد.

۴.۷. تحلیل انتقادی پیشینه

مرور مطالعات نشان می‌دهد که تحقیقات پیشین با چند محدودیت اساسی روبه‌رو هستند:

غلبه رویکرد توصیفی بر تحلیل نظری؛

تمرکز بر معرفی آثار به جای تحلیل سازوکارهای تولید دانش فقهی؛

فقدان مدل مفهومی برای تبیین تحول اجتهاد؛

بی‌توجهی به پیوند میان اصول فقه، فقه تطبیقی و نهاد مرجعیت؛

کمبود مطالعات میان‌رشته‌ای با بهره‌گیری از نظریه‌های تاریخ علم و تحول معرفت.

بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق تحلیل تاریخی، فقهی و روش‌شناختی، تصویری جامع از نقش شیخ طوسی در شکل‌گیری سنت اجتهادی امامیه ارائه کند.

۸. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی - تحلیلی است و با رویکرد تحلیل تاریخی - معرفت‌شناختی انجام می‌شود.

داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده و منابع اولیه و ثانویه به صورت هدفمند بررسی می‌شوند.

منابع اولیه

آثار اطلاعات تاریخی ارزشمندی ارائه می‌کنند، اما کمتر به تحلیل معرفت‌شناختی تحول اجتهاد توجه کرده‌اند.

ب) مطالعات فقهی

بخش دیگری از پژوهش‌ها، آثار مهمی همچون المبسوط، الخلاف و النهایه را از منظر مسائل فقهی بررسی کرده‌اند. تمرکز این تحقیقات بیشتر بر استخراج آرای فقهی است و کمتر به نوآوری‌های روش‌شناختی پرداخته‌اند.

ج) مطالعات اصول فقه

این آثار، نقش العدة فی أصول الفقه را در تکامل علم اصول بررسی کرده‌اند، اما غالباً ارتباط میان اصول فقه، فقه تطبیقی و شکل‌گیری مرجعیت علمی را به عنوان یک منظومه منسجم تحلیل نکرده‌اند.

د) مطالعات تمدنی

در برخی پژوهش‌های جدید، به نقش شیخ طوسی در شکل‌گیری تمدن علمی شیعه و تثبیت نهاد حوزه اشاره شده است؛ با این حال، این مطالعات نیز عمدتاً فاقد الگوی نظری برای تبیین سازوکارهای تحول فقه هستند.

۲.۷. پژوهش‌های عربی

مطالعات عربی عمدتاً بر سه محور استوارند:

بررسی جایگاه شیخ طوسی در میان فقهای امامیه؛

تحلیل تطبیقی آرای فقهی وی با فقهای اهل سنت؛

بررسی نوآوری‌های اصولی در العدة فی أصول الفقه.

اگرچه این تحقیقات از نظر تحلیل متون اصیل ارزشمند هستند، اما کمتر از نظریه‌های معاصر تحول معرفت و تاریخ اندیشه بهره گرفته‌اند.

۳.۷. پژوهش‌های بین‌المللی

در سال‌های اخیر، مطالعات بین‌المللی در حوزه فقه اسلامی به سمت تحلیل روش‌شناسی، نقشه‌برداری علمی (Science Mapping)، مرورهای نظام‌مند و تحلیل شبکه‌های دانشی حرکت کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مطالعات فقه اسلامی بیش از گذشته به

تحول هیچ مکتب علمی را نمی‌توان بدون شناخت بسترهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن تحلیل کرد. ظهور شیخ طوسی نیز محصول شرایط ویژه‌ای بود که جهان اسلام در اواخر قرن چهارم و نیمه نخست قرن پنجم هجری تجربه می‌کرد. این دوره، هم‌زمان با گسترش مراکز علمی، رونق مناظرات کلامی، توسعه دانش حدیث، رشد علم اصول فقه و افزایش تعامل میان مکاتب مختلف فقهی بود. در چنین فضایی، اندیشه فقهی امامیه نیز با پرسش‌های جدید و نیازهای گسترده‌تری در حوزه استنباط احکام روبه‌رو شد.

از نظر سیاسی، اقتدار حکومت آل‌بویه در بخش مهمی از سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه در بغداد، فضای نسبتاً مناسبی برای فعالیت‌های علمی شیعیان فراهم ساخت. این شرایط موجب شد عالمان برجسته امامیه بتوانند با آزادی بیشتری به تدریس، تألیف و مناظره بپردازند. هرچند این وضعیت با روی کار آمدن سلجوقیان و افزایش فشارهای مذهبی دستخوش تغییر شد، اما میراث علمی شکل‌گرفته در این دوره، بنیان‌های استوار اندیشه امامیه را پی‌ریزی کرد (جعفریان، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، گسترش مناظرات میان فقهای مذاهب اسلامی، ضرورت بازنگری در شیوه استنباط احکام را آشکار ساخته بود. فقه امامیه دیگر نمی‌توانست صرفاً بر نقل روایات تکیه کند؛ بلکه باید توانایی پاسخ‌گویی علمی به مسائل نوپدید و دفاع استدلالی از مبانی خود را نیز به دست می‌آورد. این نیاز، زمینه ظهور فقهی جامع‌نگر همچون شیخ طوسی را فراهم ساخت.

۱.۹. وضعیت فقه امامیه پیش از شیخ طوسی

برای شناخت عظمت تحول ایجادشده توسط شیخ طوسی، ابتدا باید وضعیت فقه امامیه پیش از ایشان بررسی شود.

فقه امامیه در سه قرن نخست هجری، بیش از هر چیز بر حفظ و نقل میراث روایی اهل‌بیت(ع) استوار بود. فقهای این دوره، عمدتاً درصدد گردآوری احادیث، تنظیم ابواب فقهی و پاسخ‌گویی به نیازهای عملی جامعه شیعه بودند. آثار ارزشمندی مانند الکافی، من لا یحضره الفقیه و

منابع اصلی پژوهش عبارت‌اند از آثار خود شیخ طوسی، از جمله:

المبسوط

الخلاف

النهایه

العدة فی أصول الفقه

تهذیب الأحکام

الاستبصار

این آثار مبنای تحلیل مستقیم روش اجتهادی و نوآوری‌های فقهی ایشان خواهند بود.

منابع ثانویه

در کنار منابع اولیه، از کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های جدید فارسی، عربی و انگلیسی مرتبط با تاریخ فقه امامیه، اصول فقه، تحول اجتهاد و تاریخ اندیشه اسلامی استفاده خواهد شد.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در چهار مرحله انجام می‌شود:

تحلیل تاریخی بسترهای اجتماعی و علمی قرن پنجم هجری؛

تحلیل محتوای آثار فقهی و اصولی شیخ طوسی؛

استخراج مؤلفه‌های تحول روش‌شناختی اجتهاد؛

طراحی الگوی مفهومی تحول فقه امامیه بر پایه یافته‌های پژوهش.

اعتبار پژوهش

برای افزایش اعتبار علمی، از سه‌سوسازی منابع (Source

Triangulation) استفاده می‌شود؛ بدین معنا که یافته‌ها با تطبیق منابع

اولیه، پژوهش‌های معاصر و مطالعات تطبیقی ارزیابی خواهند شد تا از

استحکام استدلال‌ها اطمینان حاصل شود.

۹. زمینه‌های تاریخی، علمی و اجتماعی ظهور شیخ طوسی

رونق مناظرات علمی، ضرورت شناخت و نقد آرای دیگر مکاتب را افزایش داده بود.

شیخ طوسی دقیقاً در پاسخ به همین نیازها، پروژه‌ای علمی را آغاز کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری فقه استدلالی امامیه بود.

۳.۹. جایگاه علمی شیخ طوسی در تداوم مکتب بغداد

یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیت علمی شیخ طوسی، پیوند میان سنت علمی مکتب بغداد و تأسیس مکتب فقهی نجف است. وی ضمن بهره‌گیری از میراث علمی استادان خود، به‌ویژه شیخ مفید و سید مرتضی، توانست این میراث را از مرحله حفظ و انتقال به مرحله تولید و توسعه دانش ارتقا دهد.

شیخ طوسی نه تنها ناقل آرای پیشینیان نبود، بلکه با نگاه اجتهادی، بسیاری از مباحث را بازسازی و بازتفسیر کرد. ویژگی برجسته او، تبدیل مجموعه‌ای از آراء پراکنده به یک نظام معرفتی منسجم بود؛ نظامی که در آن، حدیث، اصول فقه، عقل، اجماع و تحلیل فقهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و فرایند استنباط را سامان می‌دهند.

از این منظر، می‌توان شیخ طوسی را بنیان‌گذار «فقه نظام‌مند امامیه» دانست؛ زیرا وی برای نخستین‌بار توانست میان مبانی نظری و کاربرد عملی فقه پیوندی پایدار برقرار کند.

جدول تطبیقی عملکرد فقهی شیخ طوسی در حوزه فقه امامیه ۴.۹.

محور

پیش از شیخ طوسی

دیگر جوامع حدیثی، حاصل همین رویکرد بودند.

در قرن چهارم هجری، تحول مهمی با ظهور شیخ مفید آغاز شد. وی با بهره‌گیری از مباحث کلامی و استدلال عقلی، افق جدیدی در استنباط احکام گشود و زمینه توسعه اصول فقه را فراهم کرد. پس از او، سید مرتضی این مسیر را ادامه داد و مباحث اصولی را به سطحی بالاتر رساند. با این حال، هنوز بسیاری از مسائل فقهی فاقد بررسی تفریعی، مقارن و نظام‌مند بودند.

به بیان دیگر، پیش از شیخ طوسی، هر چند مبانی اجتهاد شکل گرفته بود، اما هنوز «نظام جامع اجتهاد» به معنای واقعی کلمه تحقق نیافته بود. بسیاری از فروع فقهی بررسی نشده، روش مقایسه آرای مذاهب توسعه نیافته و ارتباط میان اصول فقه و استنباط عملی به‌صورت کامل تبیین نشده بود.

۲.۹. ضرورت تحول در روش اجتهاد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرن پنجم هجری، افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی و حقوقی بود. توسعه شهرنشینی، گسترش روابط اقتصادی، تنوع قراردادهای مالی، تعامل با حکومت‌ها و ارتباط بیشتر میان مذاهب اسلامی، مسائل جدیدی را پیش روی فقها قرار داد.

در چنین شرایطی، روش سنتی مبتنی بر نقل صرف، پاسخ‌گوی همه نیازهای جامعه نبود. فقه امامیه برای حفظ پویایی خود، نیازمند تحول در سه حوزه اساسی بود:

نخست، توسعه فقه تفریعی. بسیاری از مسائل مستحدثه نیازمند استنباط بر پایه قواعد کلی بودند و در منابع روایی نص صریحی درباره آن‌ها وجود نداشت.

دوم، تقویت اصول فقه. بدون تدوین قواعد منسجم برای استنباط، امکان پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید وجود نداشت.

سوم، گسترش فقه مقارن. حضور فعال فقهای مذاهب مختلف در بغداد و

روش‌شناسی استنباط احکام شرعی بود. پیش از ایشان، بخش عمده‌ای از آثار فقهی امامیه بر نقل روایات، تنظیم ابواب فقه و بیان فتوا استوار بود؛ اما شیخ طوسی برای نخستین‌بار فرایند استنباط را به یک نظام علمی چندمرحله‌ای تبدیل کرد که در آن، نصوص روایی، قواعد اصول فقه، اجماع، عقل و تحلیل‌های فقهی به‌صورت هماهنگ به کار گرفته می‌شوند. این تحول موجب شد که فقه امامیه از یک نظام عمدتاً «نقل‌محور» به یک نظام «استدلال‌محور» تبدیل شود. در این الگو، فقیه صرفاً ناقل روایت نیست، بلکه با استفاده از قواعد اصولی، میان ادله مختلف جمع، ترجیح و تحلیل می‌کند و در نهایت به حکم شرعی دست می‌یابد (طوسی، العدة فی أصول الفقه).

از منظر معرفت‌شناسی، این رویکرد را می‌توان نقطه آغاز «عقلانیت روشمند در فقه امامیه» دانست؛ زیرا عقل در کنار قرآن، سنت و اجماع، جایگاهی نظام‌مند در فرآیند استنباط پیدا می‌کند.

۲۰۱۰. توسعه فقه تفریعی؛ نوآوری بزرگ المبسوط
اثر ارزشمند المبسوط را باید یکی از بزرگ‌ترین نقاط عطف تاریخ فقه شیعه دانست. شیخ طوسی در مقدمه این کتاب تصریح می‌کند که یکی از انگیزه‌های اصلی او، پاسخ به این ادعا بوده است که فقه امامیه فاقد ظرفیت بررسی فروع گسترده فقهی است. وی با نگارش المبسوط نشان داد که مبانی فقه امامیه، از ظرفیت لازم برای پاسخ‌گویی به هزاران مسئله جدید برخوردار است. او با توسعه فقه تفریعی، صدها مسئله فرضی و کاربردی را بررسی کرد و نشان داد که قواعد کلی فقه می‌توانند بر مسائل نوپدید نیز تطبیق یابند. این اقدام، دو پیامد مهم داشت:

افزایش قدرت اجتهاد در پاسخ‌گویی به مسائل جدید؛
اثبات پویایی فقه امامیه در برابر دیگر مکاتب فقهی.
از این منظر، المبسوط تنها یک کتاب فقهی نیست، بلکه بیانیه‌ای علمی در دفاع از توانایی اجتهاد شیعی است.

شیخ طوسی

پس از شیخ طوسی

روش اجتهاد

محدود

نظام‌مند

توسعه‌یافته

فقه تفریعی

اندک

گسترده

تکامل‌یافته

فقه تطبیقی

محدود

بسیار گسترده

تثبیت‌شده

اصول فقه

در حال شکل‌گیری

منسجم

تکامل‌یافته

مرجعیت علمی

منطقه‌ای

فرامنطقه‌ای

نهادینه‌شده

۱۰. تحلیل نوآوری‌های فقهی و اصولی شیخ طوسی در نهادینه‌سازی
اجتهاد امامیه

۱۰۱. تحول در روش‌شناسی استنباط احکام

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علمی شیخ طوسی، ایجاد تحول در

۳۰۱۰ بنیان‌گذاری فقه مقارن در الخلاف

از برجسته‌ترین نوآوری‌های شیخ طوسی، توسعه فقه مقارن در کتاب الخلاف است. در این اثر، وی آرای فقه‌های مذاهب مختلف اسلامی را گردآوری، مقایسه و نقد می‌کند و سپس با استناد به قرآن، سنت، اجماع و مبانی اصولی، دیدگاه امامیه را تبیین می‌نماید.

اهمیت این روش در آن است که فقه امامیه را از حالت درون‌گروهي خارج کرده و وارد فضای گفت‌وگوی علمی با سایر مکاتب اسلامی می‌کند. این رویکرد، افزون بر تقویت قدرت استدلال، موجب ارتقای اعتماد به نفس علمی فقه‌های امامیه و گسترش تعاملات علمی میان مذاهب شد. در حقیقت، الخلاف را می‌توان یکی از نخستین نمونه‌های نظام‌مند «فقه تطبیقی» در تمدن اسلامی دانست.

۴۰۱۰ انسجام‌بخشی به علم اصول در العدة فی أصول الفقه

اگر المبسوط نقطه عطف فقه است و الخلاف نقطه عطف فقه مقارن، العدة فی اصول الفقه را باید نقطه عطف روش‌شناسی اجتهاد دانست.

شیخ طوسی در این کتاب، بسیاری از قواعد اصولی را با نظم و انسجامی کم‌سابقه سامان داد و نسبت میان ادله شرعی را به‌گونه‌ای تبیین کرد که فقیه بتواند در مواجهه با تعارض ادله، فقدان نص یا مسائل جدید، از چارچوبی علمی و منظم بهره‌برد.

این اثر، افزون بر تأثیر عمیق بر فقه‌های امامیه، زمینه‌ساز تکامل علم اصول در قرون بعد شد و بسیاری از مباحث آن در آثار فقه‌هایی چون علامه حلی، شهید اول و محقق کرکی ادامه یافت.

۵۰۱۰ مدل تحلیلی تحول فقه امامیه بر اساس اندیشه شیخ طوسی
یکی از نوآوری‌های این مقاله، ارائه مدلی مفهومی برای تبیین تحول فقه امامیه است:

میراث روایی اهل بیت (ع)



توسعه علم اصول



روش اجتهادی شیخ طوسی



فقه تفریعی فقه مقارن عقلانیت فقهی



نهادینه‌شدن اجتهاد



تثبیت مرجعیت علمی



تداوم و پویایی فقه امامیه

این مدل نشان می‌دهد که نقش شیخ طوسی صرفاً تألیف چند کتاب نبود؛ بلکه طراحی یک نظام تولید دانش فقهی بود که آثار آن تا امروز در حوزه‌های علمیه استمرار یافته است.

نهادهای علمی را تقویت نماید؛

و امکان تداوم و بازتولید دانش را برای نسل‌های آینده فراهم آورد.
با تطبیق این نظریه بر اندیشه شیخ طوسی، می‌توان نشان داد که وی هر
چهار مؤلفه را در تاریخ فقه امامیه محقق ساخته است:

مؤلفه نظری

تحقق در اندیشه شیخ طوسی

تحول روش تولید دانش

توسعه اجتهاد استدلالی

تدوین قواعد مشترک

سامان‌دهی علم اصول

نهادسازی علمی

تثبیت حوزه علمی نجف

استمرار دانش

تأثیر بر فقه‌های قرون بعد

۱۳. بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل جایگاه شیخ طوسی صرفاً
از منظر شخصیت‌شناسی تاریخی، نمی‌تواند نقش واقعی وی را در تحول
فقه امامیه تبیین کند. نوآوری اصلی او در تغییر «منطق تولید دانش
فقهی» نهفته است؛ تغییری که فقه امامیه را از اتکای صرف بر نقل، به
نظامی اجتهادی، عقلانی و استدلال‌محور سوق داد.

از منظر تاریخ علم، آثار شیخ طوسی را می‌توان نمونه‌ای از «بازسازی
پارادایم» در یک سنت علمی دانست. او بدون گسست از میراث حدیثی
امامیه، روش‌های جدید تحلیل، استدلال و تطبیق را وارد فقه کرد و
بدین ترتیب، ظرفیت پاسخ‌گویی این دانش را در برابر مسائل نوپدید
افزایش داد.

همچنین، بررسی آثار المبسوط، الخلاف و العدة فی أصول الفقه نشان

۱۱. تأثیر اندیشه فقهی شیخ طوسی بر تداوم اجتهاد امامیه

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عظمت علمی یک اندیشمند، میزان
اثرگذاری او بر نسل‌های بعدی است. این معیار درباره شیخ طوسی به‌وضوح
قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مورخان فقه، قرن پنجم
هجری را آغاز مرحله «استقرار نظام اجتهاد امامیه» می‌دانند.

پس از شیخ طوسی، آثار او برای حدود یک قرن، مرجع اصلی استنباط
احکام در میان فقه‌های امامیه بود. نفوذ علمی وی به اندازه‌ای بود که فقه‌های
متأخر غالباً آرای خود را در نسبت با دیدگاه‌های او مطرح می‌کردند. این
وضعیت، علاوه بر جایگاه ممتاز علمی وی، بیانگر انسجام روش اجتهادی
او نیز هست.

با ظهور ابن ادریس حلی، فضای نقد علمی آرای شیخ طوسی گسترش
یافت. هرچند ابن ادریس در موارد متعددی با آرای وی مخالفت کرد، اما
همین نقدها نیز در چارچوب روش اجتهادی‌ای صورت گرفت که شیخ
طوسی بنیان نهاده بود. از این رو، حتی جریان‌های انتقادی نیز در حقیقت
ادامه همان سنت علمی محسوب می‌شوند.

در قرون بعد، فقهایی مانند علامه حلی، محقق حلی، شهید اول، شهید
ثانی و صاحب جواهر، هر یک به نحوی روش استنباط شیخ طوسی را
توسعه دادند. این استمرار نشان می‌دهد که میراث او صرفاً مجموعه‌ای از
آراء فقهی نبود، بلکه یک پارادایم علمی برای تولید دانش فقهی بود.

۱۲. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه تحول معرفتی (Epistemic
Transformation) و نهادینه‌شدن دانش (Knowledge Institutionalization)
استوار است.

بر اساس این چارچوب، تحول علمی زمانی رخ می‌دهد که یک اندیشمند
بتواند:

روش تولید دانش را متحول سازد؛

قواعد مشترک میان پژوهشگران ایجاد کند؛

الخلاف بنیان فقه تطبیقی را در سنت امامیه استحکام بخشید.
العدة فی أصول الفقه نقش مهمی در نظام‌مند شدن اصول استنباط ایفا
کرد.

تأسیس و تثبیت حوزه علمی نجف، استمرار مرجعیت علمی شیعه را
تضمین نمود.

تأثیر اندیشه شیخ طوسی نه تنها در قرن پنجم، بلکه در سراسر تاریخ فقه
امامیه استمرار یافته است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که شیخ طوسی بیش از آنکه صرفاً یک
فقیه بزرگ باشد، معمار نظام اجتهادی امامیه و یکی از اثرگذارترین
اندیشمندان تاریخ تمدن اسلامی است.

پیشنهادهای پژوهش

مطالعه تطبیقی روش اجتهادی شیخ طوسی و فقهای متأخر امامیه.
بررسی تأثیر اندیشه اصولی شیخ طوسی بر فقه معاصر.
تحلیل شبکه علمی شاگردان و تأثیر آنان بر گسترش مرجعیت شیعه.
پژوهش میان‌رشته‌ای درباره نقش حوزه نجف در نهادینه‌سازی دانش فقه.

می‌دهد که این سه اثر، سه ضلع یک منظومه معرفتی واحد را تشکیل
می‌دهند: توسعه فقه تفریعی، تثبیت فقه تطبیقی و انسجام‌بخشی به علم
اصول. این منظومه، زیربنای اجتهاد امامیه در قرون بعد شد.

۱۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شیخ طوسی در نهادینه‌سازی فقه
اجتهادی امامیه انجام شد. نتایج نشان داد که:
شیخ طوسی نقطه عطف تحول روش‌شناسی اجتهاد در تاریخ فقه امامیه
است.
توسعه فقه تفریعی در المبسوط، ظرفیت پاسخ‌گویی فقه شیعه به مسائل
نوپدید را افزایش داد.

منابع

- Calder, N. (۱۹۹۳). *Studies in Early Muslim Jurisprudence*. Oxford University Press
- Gleave, R. (۲۰۰۰). *Inevitable Doubt: Two Theories of Shi'i Jurisprudence*. Brill
- Hallaq, W. B. (۱۹۹۷). *A History of Islamic Legal Theories*. Cambridge University Press
- Hallaq, W. B. (۲۰۰۹). *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge University Press
- Modarressi, H. (۱۹۹۳). *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam*. Darwin Press

- جعفریان، رسول. (۱۳۹۸). تاریخ تشیع در ایران. قم: نشر دلیل ما.
- خوانساری، محمدباقر. (۱۴۰۰). *روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *المبسوط*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *العدة فی أصول الفقه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۷۴). *مقدمه ای بر فقه شیعه*. تهران: طرح نو.